



الصرف و النحو

(رشته حقوق)

دکتر محسن تیموری

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشأن خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

الفهرس

السابع	پیشگفتار
١	الدرس الأول: الصرف والنحو
٥	الدرس الثاني: الفعل
١١	الدرس الثالث: الفعل المجرد والمزيد
١٥	الدرس الرابع: الصحيح والمعتل
١٩	الدرس الخامس: اللازم والمتعدي
٢٣	الدرس السادس: الفعل المبني والمعرب
٢٩	الدرس السابع: الاسم
٣٣	الدرس الثامن: المذكر والمؤنث
٣٧	الدرس التاسع: المفرد والمثنى والجمع
٤١	الدرس العاشر: النكرة والمعرفة
٤٧	الدرس الحادي عشر: الجامد والمشتق
٥٣	الدرس الثاني عشر: الاسم المعرب والمبني
٥٩	الدرس الثالث عشر: الفاعل - المفعول به - نائب الفاعل
٦٥	الدرس الرابع عشر: المبتدأ والخبر
٦٩	الدرس الخامس عشر: التواسخ
٧٥	الدرس السادس عشر: المفعول المطلق - المفعول لأجله - المفعول فيه - المفعول معه
٧٩	الدرس السابع عشر: الحال - التمييز
٨٣	الدرس الثامن عشر: الاستثناء
٨٧	الدرس التاسع عشر: المنادى
٩٣	الدرس العشرون: المجرورات
٩٧	الدرس الحادي والعشرون: التوابع
١٠٣	أجوبة التمارين
١٢١	المصادر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

پیشگفتار

یکی از علومی که از دیرباز توجه عرب و پیروان غیرعرب آنان را به خود جلب کرد، صرف و نحو یا اصول و قواعد زبان عربی بود. اگر تا پیش از اسلام به دلیل وجود جامعه‌ی یک‌دست و بکر عربی نیازی به وضع چنین علومی نبود، ولی با ورود عناصر خارجی به حوزه‌ی عربی و فتوحات صدر اسلام که منجر به اختلاط زبان عربی با سایر زبان‌ها گردید و بر گویش و نوشتار آن تأثیر گذاشت، نیاز به وضع قوانین و قواعد زبانی به‌طور جدی احساس شد تا از ارکان این زبان برتر صیانت شود و آموزش آن نیز آسان‌تر گردد.

اما پیرامون بنیان‌گذار علم صرف و نحو اقوال زیادی وجود دارد. آنچه مشهور است ابداع آن را به امام علی(ع) نسبت می‌دهند. گفته شده است که یکی از قاریان، آیه‌ی «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»^۱ را اشتباه تلاوت کرد، بدین‌گونه که به جای ضمّه دادن حرف لام در کلمه‌ی «رسوله» آن را با کسره خواند که در این صورت معنی آیه کاملاً عوض می‌شد و مفهوم نادرستی پیدا می‌کرد؛ وقتی امام علی(ع) این موضوع را

شنیدند، شاگردشان ابوالاسود دُئلی را فراخوانده، به وی اصولی را آموختند. می‌گویند حضرت (ع) برخی از قواعد نحوی از جمله تقسیم کلمه، ابواب انّ و اخوات آن، اضافه، اماله، تعجّب، استفهام و غیره را به او تعلیم دادند و در نهایت، این جمله را به او فرمودند: «أُنْخُ هَذَا النَّحْوُ؛ این شیوه را پیش گیر.» و گفته شده است که واژه‌ی نحو نیز از همین عبارت حضرت علی (ع) به وجود آمد.

ابوالاسود پس از این دستور دست به کار شد و اقدامات اساسی در اجرای مأموریت خود به عمل آورد؛ به طور مثال، وی برای کلمات عربی زیر، زبر و پیش به صورت نقطه‌های رنگی وضع کرد که می‌توانست به قرائت صحیح قران و متون عربی کمک زیادی کند. اما این تنها یک آغاز بود، زیرا می‌بینیم دیری نمی‌انجامد که دانشمندان زیادی در این عرصه ظهور می‌کنند و اصول گسترده‌ای را برای این علم وضع می‌نمایند و برخی نیز صاحب نظریه‌های بدیعی می‌شوند که پس از چندی میان همین نظریه‌پردازان نزاع فکری بزرگی پدید می‌آید؛ گروهی در بصره، با استفاده از گویش اعراب فصیح در بادیه‌های اطراف بصره، مکتبی به وجود می‌آورند که مکتب خود را اهل منطق و قیاس معرفی می‌کنند و گروهی دیگر در کوفه با حجّت قرار دادن اقوال معتمدان عرب، مکتب کوفی را عرضه می‌دارند. این تضارب آرا میان بصریان و کوفیان باعث می‌شود تا در خصوص قواعد زبان عربی نکته‌های ریز و درشت بسیاری مطرح گردد و کتاب‌های زیادی در شرح و بسط آن به رشته‌ی تحریر درآید.

اکنون نیز با گذشت قرن‌ها از پیدایش این علم، همچنان جایگاه ویژه‌ی آن حفظ شده است به طوری که آموختن صرف و نحو به عنوان شرط اساسی، برای ورود به حوزه‌ی علوم عربی مطرح می‌باشد. اما این بار با تألیف و تدوین کتاب‌های جدید و تغییر شیوه‌های آموزش با در نظر گرفتن خصوصیات فراگیر، دیگر آن دشواری‌های زمان‌های پیشین در آموزش قواعد عربی وجود ندارد و به سادگی می‌توان موارد کاربردی آن را در زمانی کوتاه فراگرفت.

کتاب حاضر

این کتاب به ارزش یک واحد برای دانشجویان رشته‌ی حقوق تألیف شده است و محتوای آن مطابق با سرفصل مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی می‌باشد. در این کتاب

سعی شده است قواعد اساسی و کلیدی صرف و نحو با رعایت اصل کاربردی آن در اختیار دانشجویان عزیز قرار گیرد تا بتوانند از متون عربی که یکی از منابع مرجع حقوقی به‌شمار می‌رود، به‌خوبی استفاده کنند.

ویژگی‌های کتاب و توصیه‌ها

۱. هدف‌های آموزشی هر درس در آغاز آن ذکر شده است؛ لذا لازم است فراگیر عزیز هر درس را با مطالعه‌ی اهداف آن شروع کند.
 ۲. قواعد طرح‌شده در این کتاب در راستا و ادامه‌ی همان قواعدی است که دانشجویان گرامی در کتاب‌های دوره‌ی دبیرستان آموخته‌اند.
 ۳. قواعد با نظم و ترتیب و به زبان ساده‌ی عربی مطرح‌شده و مثال‌های به‌کار رفته در آن مشهور و قابل فهم است.
 ۴. کلیه‌ی متن‌ها اِعراب‌گذاری شده است تا امر قرائت و فهم آن تسهیل گردد.
 ۵. بخش «الأسئلة» شامل سؤال‌هایی است که در بخش هدف‌های آموزشی آمده است و در صورت وجود ابهام در فهم و ترجمه‌ی آن می‌توان این دو بخش را با هم مقایسه کرد.
 ۶. تمارین، شامل آیات قرآن، احادیث و اشعار نغز عربی است و در بخش «أجوبة التمارین» به تمامی آن‌ها پاسخ داده شده است؛ انتظار می‌رود دانشجویان گرامی پیش از ملاحظه‌ی بخش جواب‌ها، خود به تمرین‌ها پاسخ دهند.
 ۷. برای هر درس سؤال‌های چندگزینه‌ای طراحی شده است تا ضمن این‌که فراگیران به توانایی علمی خود می‌افزایند، بتوانند با نمونه سؤال‌های آزمون پایانی آشنا شوند.
 ۸. سؤالات آزمون این کتاب با توجه به اهداف کاربردی آن بیشتر شامل تمرین‌ها و مثال‌های کتاب می‌باشد، لذا ضروری است در تهیه و تنظیم سؤال‌ها به این مورد توجه شود.
 ۹. قطعاً آموختن کامل این کتاب می‌تواند دانشجویان گرامی را در آزمون‌های مقاطع بالاتر موفق دارد.
- در پایان شایسته است از استاد گرامی جناب آقای دکتر ناصحی که فرصت تألیف این کتاب را برای این‌جانب فراهم نمودند و از جناب آقای سید علی میرلوی موسوی

که بنده را در بازخوانی کتاب یاری کردند و نیز از همه‌ی اساتید گرامی که با راهنمایی‌های خود موجب غنای آن شدند، سپاس‌گزار باشم. امیدوارم که این خدمت ناچیز مورد استفاده‌ی دانشجویان عزیز قرار گیرد و رضای الهی را در نشر زبان وحی موجب گردد.

من الله التوفیق
محسن تیموری

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

الصرف والنحو

هدف‌های یادگیری

- تعریف علم صرف - اقسام کلمه - تعریف فعل - تعریف اسم - تعریف حرف -
- جاری بودن صرف تنها بر فعل و اسم - تعریف تصریف - چگونگی تصریف افعال -
- چگونگی تصریف اسماء - تعریف علم نحو - اقسام الفاظ موقع ترکیب - تعریف مبنی -
- تعریف معرب - چگونگی شناخت حالت آخر کلمه

الصرف

الصَّرْفُ عِلْمٌ يَنْحُتُ عَنِ تَحْوِيلِ الْكَلِمَةِ إِلَى صُورٍ مُخْتَلِفَةٍ بِحَسَبِ الْمَعْنَى الْمَقْصُودِ.

أقسام الكلمة

الكلمة ثلاثة أقسام: **فعلٌ واسمٌ وحرفٌ**

- **الفعلُ** كلمةٌ تدلُّ عَلَى حَالَةٍ أَوْ حَدَثٍ فِي زَمَنٍ، نحو: كَانَ، كَتَبَ
- **الاسمُ** كلمةٌ تدلُّ عَلَى شَخْصٍ أَوْ حَيَوَانٍ أَوْ شَيْءٍ أَوْ صِفَةٍ، نحو: يُوسُفُ، أُسْدٌ وَكِتَابٌ
- **نافعٌ**
- **الحرفُ** كلمةٌ لَا يَتِمُّ مَعْنَاهَا إِلَّا إِذَا جَاءَ بَعْدَهَا اسْمٌ أَوْ فِعْلٌ، نحو: سَوْفَ أَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ
- **إِنَّ الصَّرْفَ** يَجْرِي عَلَى الْاسْمِ وَالْفِعْلِ فَقَطْ لِأَنَّهُمَا يَقْبَلَانِ التَّحْوِيلَ إِلَى صُورٍ مُخْتَلِفَةٍ وَلَا يَجْرِي عَلَى الْحَرْفِ لِأَنَّهُ يُلَازِمُ صُورَةً وَاحِدَةً.

التصريف

التصريفُ هو تحويلُ الكلمةِ مِنْ صُورَةٍ إِلَى أُخْرَى.
يَكُونُ تصْرِيفُ الأفعالِ بِتَقْلِيلِهَا مِنَ الماضيِ إِلَى المضارعِ فالأمرِ ويكونُ تصْرِيفُ الأسماءِ بِتَقْلِيلِهَا إِلَى المثنى أو الجمعِ وتَصْغِيرِهَا والنَّسْبَةِ إِلَيْهَا، نحو:
ذَهَبَ (فعل ماضٍ)، يَذْهَبُ (فعل مضارع)، اذْهَبْ (فعل أمر)
كِتَابَ (اسم مفرد)، كِتَابَانِ (مثنى)، كُتُبَ (جمع)
جَبَلٍ (اسم)، جُبَيْلٍ (اسم مصغّر)، جَبَلِيٍّ (اسم منسوب إليه)

النحو

النَّحْوُ عِلْمٌ يَبْحَثُ عَنْ حَالِ آخِرِ الكلمةِ عِنْدَ التَّأْلِيفِ وَعَنْ مَوْقِعِ المُفْرَدَاتِ فِي الجُمْلَةِ وَصَوْنِ الجُمْلَةِ مِنَ المَفْرَدَاتِ عَلَى مُفْتَضَلِ الكلامِ العَرَبِيِّ الصَّحِيحِ.

المبني والمعرّب

الكلماتُ عِنْدَ التَّرْكِيبِ قِسْمَانِ:
قِسْمٌ يَثْبُتُ آخِرُهُ عَلَى حَالَةٍ وَاحِدَةٍ وَيُسَمَّى مَبْنِيًّا وَقِسْمٌ تَتَوَارَدُ عَلَى آخِرِهِ أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَيُسَمَّى مُعْرَبًا، نحو: جَاءَ ذَاكَ الطَّالِبُ، رَأَيْتُ ذَاكَ الطَّالِبَ، مَرَرْتُ عَلَى ذَاكَ الطَّالِبِ
فَ«ذَاكَ» مَبْنِيٌّ ثَبَتَ آخِرُهُ عَلَى حَالَةٍ وَاحِدَةٍ مَعَ تَغْيِيرِ المَوَاضِعِ و«الطَّالِبِ» مُعْرَبٌ لَمْ يَثْبُتْ آخِرُهُ عَلَى حَالَةٍ وَاحِدَةٍ بَلْ تَغَيَّرَ مَعَ تَغْيِيرِ المَوَاضِعِ.
تُعْرَفُ حَالَةُ آخِرِ الكلمةِ مِنَ القَوَاعِدِ الَّتِي وَضَعَهَا النُّحَوِيُّونَ فِي عِلْمِ النُّحُو.

الأسئلة

١. ما هو الصرف؟ ٢. كم قسمًا الكلمة؟ ٣. ما هو الفعل؟ ٤. ما هو الاسم؟ ٥. ما هو الحرف؟ ٦. هل يجري الصرف على كل أنواع الكلمة؟ ٧. ما هو التصريف؟ ٨. كيف يكون تصريف الأفعال؟ ٩. كيف يكون تصريف الأسماء؟ ١٠. ما هو النحو؟ ١١. كم قسمًا الألفاظ عند التركيب؟ ١٢. ما هو المبني؟ ١٣. ما هو المعرب؟ ١٤. كيف تعرف حالة آخر الكلمة؟

تمارين

التمرين الأول

اقرأ سورة «الفلق» المباركة ثم دُلَّ عَلَى أنواع الكلمة فيها:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (١) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (٢) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (٣) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (٤) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (٥)

التمرين الثاني

دُلَّ عَلَى كُلِّ مِنَ الْفِعْلِ وَالاسْمِ وَالْحَرْفِ فِي كَلَامِ الْإِمَامِ عَلِيِّ «عَلَيْهِ السَّلَام»:
يا كَمِيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَالْمَالُ تَنْقُصُهُ
النَّفَقَةُ وَالْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ وَصَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ.
يا كَمِيلُ، هَلَكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ. (نهج البلاغة -
الحكمة ١٤٠)

التمرين الثالث

انتخب الجواب الصحيح:

١. عِلْمٌ يَبْحَثُ عَنْ تَحْوِيلِ الْكَلِمَةِ إِلَى صُورٍ مُخْتَلِفَةٍ بِحَسَبِ الْمَعْنَى الْمَقْصُودِ.

(أ) الصِّرف (ب) النَّحو

(ج) البلاغة (د) الفصاحة

٢. ما هو المبنى؟

(أ) ما تَوَارَدَ عَلَى آخِرِهِ أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ. (ب) ما يَنْبُتُ آخِرُهُ عَلَى حَالَةٍ وَاحِدَةٍ.

(ج) ما يَتَحَوَّلُ مِنْ صُورَةٍ إِلَى أُخْرَى. (د) ما لَا يَتِمُّ مَعْنَاهَا إِلَّا بِمَا بَعْدَهُ.

٣. كَلِمَةٌ تَدُلُّ عَلَى حَالَةٍ أَوْ حَدَثٍ فِي زَمَنِ.

(أ) الاسم (ب) الفعل

(ج) الحرف (د) التصريف

٤. كم اسماً في الآيات التابعة؟ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ. مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ.»

(أ) اثنان (ب) ثلاثة

(ج) أربعة (د) خمسة

٤ الصرف والنحو

٥. عَيِّنِ الْمَجْمُوعَةَ الَّتِي كُلُّ كَلِمَاتِهَا حَرْفٌ.

- | | |
|------------------------------|---------------------------|
| (أ) يا، مِنْ، أَنْتَ، عَلَى | (ب) ال، هـ، و، إِذَا |
| (ج) فِي، سَوْفَ، إِنَّ، أَوْ | (د) إِلَى، مَنْ، بِ، عَنْ |

الدَّرْسُ الثَّانِي

الفعل

هدف‌های یادگیری

تعريف فعل - شناخت علامت‌های فعل - اقسام فعل - تعريف فعل ماضى - تعرف فعل مضارع - ساختن فعل مضارع - حروف مضارعه - تعريف فعل امر - انواع فعل امر - ساختن فعل امر - آشنایی با همزه‌ی امر و حرکت آن - آشنایی با آخر فعل امر - آشنایی با صیغه‌های فعل

تعريف الفعل

الفعل ما يَدُلُّ عَلَى حَدَثٍ أَوْ حَالَةٍ فِي الْمَاضِي أَوْ الْحَاضِرِ أَوْ الْمُسْتَقْبَلِ، نحو: ذَهَبَ - يَذْهَبُ، جُمْلَ - يَجْمَلُ

علامات الفعل

لِلْفِعْلِ عِلَامَاتٌ خَاصَّةٌ بِهِ إِذَا قَبِلَ إِحْدَاهَا كَانَ ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى فِعْلِيَّتِهِ وَهَذِهِ الْعِلَامَاتُ هِيَ:

- قَبُولُهُ تَاءَ الْفَاعِلِ، نحو: خَرَجْتُ
- قَبُولُهُ تَاءَ التَّانِيَةِ السَّاكِنَةِ، نحو: جَاءَتْ
- دُخُولُ لَمْ وَلَمَّا وَلَنْ وَالسَّيْنِ وَسَوْفَ عَلَيْهِ، نحو: لَمْ يَذْهَبْ
- قَبُولُهُ يَاءَ الْمُخَاطَبَةِ، نحو: اِشْرِبِي
- قَبُولُهُ نُونِ التَّوَكِيدِ خَفِيفَةً وَثَقِيلَةً، نحو: اُكْتُبْ، اُكْتُبَنَّ

أقسام الفعل

الفعل باعتبار زَمَنِهِ ثلاثة أقسامٍ وهي: الماضي والمضارع والأمر

الماضي

الفعل الماضي هو ما دلَّ على حَدَثٍ أو حالةٍ في زَمَانٍ مَضَى، نحو: غَفَرَ، كَرَّمَ

المضارع

الفعل المضارع هو ما دلَّ على حَدَثٍ أو حالةٍ في زَمَانٍ الحالِ والاستقبالِ، نحو: يَتَكَلَّمُ، يَحْسُنُ

يُصاغُ المضارعُ مِنَ الماضي بِزيادةِ أَحَدِ أَحْرَفِ المضارعةِ في أَوَّلِهِ مَضْمُوماً في الرباعيِّ وَمَفْعُوْحاً في غَيْرِهِ، نحو: أَكْرَمَ ← يُكْرِمُ - صَبَرَ ← يَصْبِرُ
أَحْرَفِ المضارعةِ أَرْبَعَةٌ: ي، ت، أ، ن، نحو: يَفْتَحُ، تَفْتَحُ، أَفْتَحُ، نَفْتَحُ

الأمر

فعلُ الأمرِ هو ما يُطْلَبُ بِهِ عَمَلٌ فِعْلٍ أو حالةٍ في المُسْتَقْبَلِ، نحو: اُنْظُرْ، اِفْرَحْ
الأمرُ قِسْمَانِ:

- الأمرُ بِالصَّيْغَةِ وَهُوَ يَخْتَصُّ بِالْمُخَاطَبِ الْمَعْلُومِ، نحو: اِفْعَلْ
 - الأمرُ بِاللَّامِ وَهُوَ يَخْتَصُّ بِمَا سِوَى ذَلِكَ مَعْلُوماً وَمَجْهُولاً، نحو: لِيَفْعَلْ
- يُصاغُ الأمرُ مِنَ المضارعِ بِحَذْفِ حَرْفِ المضارعةِ مِنْ أَوَّلِهِ وَزيادةِ هَمْزَةٍ عَلَى المَبْدِوِ بِحَرْفٍ ساكنٍ وَتَرْكِ المَبْدِوِ بِحَرْفٍ مُتَحَرِّكِ عَلَى حالِهِ، نحو: تَنْصُرُ ← اُنْصُرْ - تُعَلِّمُ ← عَلِّمْ
- إِنَّ الهَمْزَةَ الْمَزِيدَةَ فِي أَوَّلِ الأَمْرِ تُضَمُّ فِي المَضْمُومِ العَيْنِ مِنَ المضارعِ الثلاثيِّ، نحو: اُدْخُلْ وَتُفْتَحْ فِي الرباعيِّ، نحو: أَكْرَمْ وَأَمَّا فِي غَيْرِهِمَا فَتُكْسَرُ، نحو: اِعْلَمْ، اِنْطَلِقْ، اِسْتَعْلِمْ

وهي هَمْزَةٌ قَطْعٌ فِي الرباعيِّ وَهَمْزَةٌ وَصْلٌ فِي غَيْرِهِ.

وإنَّ آخَرَ الأَمْرِ مَبْنِيٌّ أَيْ لَا يَتَغَيَّرُ؛ وَيَكُونُ مَبْنِيّاً عَلَى الشُّكُونِ، نحو: تَكْتُبُ ← اُكْتُبْ أو على حَذْفِ حَرْفِ الْعِلَّةِ، نحو: تَهْدِي ← اِهْدِ أو على حَذْفِ التَّوْنِ، نحو: تَسْمَعُونَ ← اِسْمَعُوا

تصريف الأفعال

إِنَّ لِكُلِّ فِعْلٍ مِنَ الْأَفْعَالِ الثَّلَاثَةَ صَيَغًا فِي الْغَيْبَةِ وَالْخِطَابِ وَالتَّكَلُّمِ حَسَبَ الصَّمَائِرِ. وَإِلَيْكَ جَدُولَ تَصْرِيفِ الْأَفْعَالِ:

الصيغة	الماضي	المضارع	الأمر
للغائب	دَرَسَ	يَدْرُسُ	لِيَدْرُسْ
لِلغَائِبِينَ	دَرَسَا	يَدْرُسَانِ	لِيَدْرُسَا
لِلغَائِبِينَ	دَرَسُوا	يَدْرُسُونَ	لِيَدْرُسُوا
لِلغَائِبَةِ	دَرَسَتْ	تَدْرُسُ	لِتَدْرُسْ
لِلغَائِبَتَيْنِ	دَرَسَتَا	تَدْرُسَانِ	لِتَدْرُسَا
لِلغَائِبَاتِ	دَرَسْنَ	يَدْرُسْنَ	لِيَدْرُسْنَ
لِلْمَخَاطَبِ	دَرَسْتَ	تَدْرُسُ	أَدْرُسْ
لِلْمَخَاطِبِينَ	دَرَسْتُمَا	تَدْرُسَانِ	أَدْرُسَا
لِلْمَخَاطِبِينَ	دَرَسْتُمْ	تَدْرُسُونَ	أَدْرُسُوا
لِلْمَخَاطِبَةِ	دَرَسْتِ	تَدْرُسِينَ	أَدْرُسِي
لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ	دَرَسْتُمَا	تَدْرُسَانِ	أَدْرُسَا
لِلْمَخَاطِبَاتِ	دَرَسْنَّ	تَدْرُسْنَ	أَدْرُسْنَ
لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	دَرَسْتُ	أَدْرُسُ	لِأَدْرُسْ
لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	دَرَسْنَا	نَدْرُسُ	لِنَدْرُسْ

الأسئلة

١. ما هو الفعل؟ ٢. ما هي علامات الفعل؟ ٣. كم قسماً الفعل؟ ٤. ما هو الماضي؟
٥. ما هو المضارع؟ ٦. كيف يصاغ المضارع؟ ٧. ما هي الحروف المضارعة؟ ٨. ما هو الأمر؟ ٩. كم قسماً الأمر؟ ١٠. كيف يصاغ الأمر؟ ١١. متى تُضَمُّ الهمزة المزيّدة في الأمر ومتى تُفَتْحُ ومتى تُكْسَرُ؟ ١٢. كيف يكون آخر فعل الأمر؟ ١٣. كيف يكون تصريف الأفعال؟

تمارين

التمرين الأول

ذَلَّ عَلَى الماضي والمضارع والأمر ثُمَّ اذْكُرْ صيغة الأفعال في الآيات التالية:

١. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (البقرة - ٢١)
٢. أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. (النحل - ١٢٥)
٣. وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (الأنبياء - ١٠٥)
٤. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ثُبُوتُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ. (التحریم - ٨)

٥. وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ. (القلم - ٥١)

التمرين الثاني

حَوِّلِ الْمُضَارِعَ إِلَى الأمر المخاطب:

- يَعْلَمُ - يَقْرَأُ - يَجْلِسُ - يُصَدِّقُ - يَتْرُكُ - يَنْزِلُ - يَرْجِعُ - يَتَأَدَّبُ - يَتَشَابَهُ - يَسْتَمِعُ - يُرْسِلُ -
يُنْصَرِفُ - يُسَافِرُ - يَسْتَخْرِجُ

التمرين الثالث

إِنتَخِبِ الجواب الصحيح:

١. ما هو الخطأ في علامات الفعل؟
(أ) قبوله تاء التانيث الساكنة
(ب) قبوله ياء المخاطبة
(ج) قبوله نون التوكيد
(د) قبوله حالة الإضافة
٢. هُوَ مَا ذَلَّ عَلَى حَدَثٍ أَوْ حَالَةٍ فِي زَمَانِ الْحَالِ وَالاسْتِقْبَالِ.
(أ) الفعل الماضي
(ب) الفعل المضارع
(ج) فعل الأمر
(د) الفعل المستقبل
٣. ما هو الخطأ في الأفعال للآية؟ «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ»
(أ) يكاد: فعل مضارع للغائب
(ب) كفروا: فعل ماض للغائبين
(ج) يزلقون: فعل مضارع للغائبات
(د) سمعوا: فعل ماض للغائبين

٤. عَيِّنِ المضارع مِنْ «دَرَسَ -» لِلْمَخَاطَبَتَيْنِ.

(أ) يَدْرُسَانِ (ب) تَدْرُسِينَ

(ج) تَدْرُسَانِ (د) تَدْرُسْنَ

٥. مَا هُوَ الصَّحِيحُ فِي الْأَمْرِ الْمَخَاطَبِ لِلْأَفْعَالِ التَّابِعَةِ؟ «يَعْلَمُ - يَرْجِعُ»

(أ) إِعْلَمَ - ارْجِعْ (ب) أَعْلَمَ - ارْجِعْ

(ج) أَعْلَمَ - ارْجِعْ (د) إِعْلَمَ - ارْجِعْ

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الفعل المجرّد والمزید

هدف‌های یادگیری

تعریف فعل مجرّد - تعریف فعل مزید - تقسیم‌بندی فعل مجرّد و مزید - اوزان فعل ثلاثی مجرّد - وزن فعل رباعی مجرّد - اوزان فعل ثلاثی مزید - اوزان فعل رباعی مزید - کاربرد فعل‌های مزید

المجرّد

الفعلُ المجرّدُ هو ما كانت فيه الحُرُوفُ الأصلیّةُ وَحْدَهَا، نحو: حَسَنَ

المزید

الفعلُ المَزیدُ هو ما أُضِيفَ فيه إلى الحُرُوفِ الأصلیّةِ حَرْفٌ أو أَكْثَرُ، نحو: أَحْسَنَ

أقسام المجرّد والمزید

الفعلُ المجرّدُ والمَزیدُ قِسْمَانِ: ثَلَاثِيٌّ وَرُبَاعِيٌّ

الثلاثي المجرّد

للفعلِ الثلاثيِّ المجرّدِ سِتَّةُ أوزانٍ تُؤْخَذُ مِنْ اخْتِلَافِ حَرَكََةِ عَيْنِهِ ماضياً ومُضَارِعاً.

فَعَلَ	يَفْعَلُ	فَتَحَ	يَفْتَحُ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	عَلِمَ	يَعْلَمُ
فَعَلَ	يَفْعَلُ	غَفَرَ	يَغْفِرُ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	حَسِبَ	يَحْسِبُ
فَعَلَ	يَفْعَلُ	نَصَرَ	يَنْصُرُ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	كَرَّمَ	يَكْرُمُ